



«ثبات قدم»؛ از روشن‌ترین مصادیق نصرت الهی در جهاد با کافران

عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی ملایر در تفسیر آیاتی از سوره محمد، گفت: «ثبات قدم» از روشن‌ترین مصادیق نصرت الهی است، چون استقامت در جنگ رمز پیروزی است؛

عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی ملایر در تفسیر آیاتی از سوره محمد، گفت: «ثبات قدم» از روشن‌ترین مصادیق نصرت الهی است، چون استقامت در جنگ رمز پیروزی است؛ وگرنه یاری خدا به این مورد اختصاص ندارد بلکه فرشتگان را نیز به کمک مؤمنان می‌فرستد و حوادث را نیز به سود مؤمنان تغییر می‌دهد.

حجت الاسلام والمسلمین حسین مقدس، عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی ملایر با استناد به تفسیر تسنیم آیت الله جوادی آملی در بخش سوم تبیین سوره محمد به آیات ۷ تا ۱۱ این سوره پرداخته است که مشروح آن را در زیر می‌خوانیم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (۷) وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ (۸) ذَلِكَ يَأْتِيهِمْ كَرَهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۹) أَقْلَمُ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (۱۰) ذَلِكَ يَأْتِ اللَّهُ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (۱۱)».

از منظر استاد جوادی آملی در مورد تناسب این آیات با آیات قبل باید گفت که در آیات پیشین، فرمود اگر خدا بخواهد خود از کافران انتقام می‌گیرد و از این تعبیر بر می‌آید که مراد از امر به جهاد با کافران نصرت دین و شکستن شوکت دشمنان دین است که مردم را از راه خدا باز می‌دارند، از این رو در آیات مورد سخن، مؤمنان را به نصرت خدا ترغیب کرده و وعده می‌دهد که اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را کمک و دشمنانتان را خوار می‌کند.

بنابراین سیاق این آیات، همان سیاق آیات پیشین است. خدای متعال در وعده به مؤمنان می‌فرماید اگر شما خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را کمک و گام‌هایتان را استوار می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ». اگر انسان گامی به سوی خدا بردارد، خدای متعال ده گام به او کمک می‌کند، چنان که پیامبر اکرم(ص) فرمود «یاری خداوند به مؤمنان این گونه است که با تقویت دل‌های آنان ترس را از دل‌هایشان می‌زداید و رعب را در دل کافران می‌اندازد و این تحقق مصداقی از وعده نصرت الهی است.»

از نظر صاحب تفسیر تسنیم، چون قدرت خدای سبحان نامحدود است: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و همه مخلوقات سپاهیان ذات اقدس الهی هستند: «والله جنود السموات والأرض» و دیگران در برابر خدای توانا قدرتی ندارند «وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ» پس ترغیب به یاری خدا، برای بیان اهمیت جهاد در راه خدا و دفاع از پیامبران الهی و تعالیم آسمانی آنان است. بنابراین مراد از یاری خدا جهاد در راه خدا برای تأیید دین الهی و اعتلای کلمه حق است؛ نه برتری جویی و سروری در زمین و کسب غنیمت یا به رخ کشیدن شجاعت و هنر خود.

بر اساس جمله «و يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»، «ثبات قدم» از روشن‌ترین مصادیق نصرت الهی است، چون استقامت در جنگ رمز پیروزی است؛ وگرنه یاری خدا به این مورد اختصاص ندارد بلکه فرشتگان را نیز به کمک مؤمنان می‌فرستد و حوادث را نیز به سود مؤمنان تغییر می‌دهد.

استاد جوادی آملی بیان می‌دارد خدای سبحان در ادامه کافران را نفرین و چنین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ مَرگ بر کسانی که کفر ورزیدند و کارهایشان نابود باد». این آیه، نظیر آیه «قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَلَمْ يَكْفُرُوا» است.

البته احتمال دارد جمله فتعسا لهم وأضل أعمالهم نفرین نباشد، بلکه برای بیان قضا و قدر الهی باشد؛ یعنی کافران نه تنها خودشان نابود می‌شوند، کوشش آنها نیز از میان می‌رود، بنابراین آیه کنایه خبری از آینده کافران و بی‌اثر شدن اعمال آنهاست؛ آنها با آنکه شب و روز حيله می‌کنند: «مَكَرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» خدا نمی‌گذارد که به مقصد برسند و کوشش آنها را گم و بی‌اثر می‌کند، زیرا کافران از آنچه خدا فرو فرستاده ناخشنودند و چنین کسانی کوشش آنها بر اساس حق نیست، از این رو ذات اقدس الهی کارهایش را باطل می‌کند: «ذَلِكَ يَأْتِيهِمْ كَرَهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ».

مراد از «ما انزل الله»، قرآن و همه احکامی است که خدا بر پیامبر اکرم نازل کرده و مردم را به اطاعت از آنها فرمان داده است.

خدای حکیم حق را نازل می کند: «يَمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ هُوَ الْحَقُّ» از آنجا که جهان با حق پایدار است و باطل نابود شدنی، کسی که بخواهد ماندگار باشد و کوشش خویش را جاودان گرداند باید با حق پیوند داشته باشد؛ وگرنه کوشش مخالفان حق همواره تباه می گردد.

باید دانست که جهان بر اساس آموزه های پیامبران اولوا العزم که حق اند، اداره می شود؛ حتی مکتب های الحادی که از عدالت و حقوق بشر سخن می گویند این گونه سخنان را از آموزه های دینی گرفته اند زیرا برای رسیدن به اهداف خود برخی از مطالب اخلاقی و حقوقی دین را پذیرفتند، هر چند اصول اساسی آن را یعنی توحید، نبوت و معاد انکار کردند.

قرآن کریم راز ماندگاری هر چیزی را حق بودن آن می داند، از این رو می فرماید حق همواره پایدار است و باطل نابود شدنی: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» و اگر کسی بخواهد با حس و تجربه این سخن را دریابد باید به تاریخ و آثار پیشینیان نگاهی عقلانی کند که چگونه ستمگرانی که با تعالیم و حیانی مخالفت کردند نابود شدند. بنابراین در ادامه می فرماید چرا گمراهان در زمین سیر نمی کنند تا فرجام کافران پیشین را که با پیامبران الهی مخالفت کردند بنگرند که چگونه ذات اقدس الهی آنها و هر وابسته ای به ایشان را هلاک کرد: «أَقْلَمَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ».

استاد جوادی آملی در پایان این قسمت از آیات بیان می دارد که نفی ولایت برای کافران که فرمود: «وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» بر اساس واقع و حقیقت امر است پس اگر در آیات دیگری از اولیای کافران سخن به میان آورده: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ»، ولایت خیالی و به پندار کافران نوعی تهکم و استهزاست.